

راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مُدرن (با تکیه بر قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق)

محمد شعبان پور*

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

زهرا بشارتی**

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۸)

چکیده

قرآن به مناسبت‌های مختلف، فرهنگ مردم عصر جاهلیت را مورد نکوهش قرار داده است. پندارهای باطل، وضع احکام جاهلانه، تعصب و تبرج از مؤلفه‌های سازنده این فرهنگ به شمار می‌روند. واکاوی آداب و رسوم و قانون‌هایی که بر زندگی بشر امروزی حاکم است، مؤلفه‌های جاهلیت را در جوامع مُدرن عصر حاضر آشکار می‌سازد که اسلام‌هراسی، اومانیسیم، اروپامداری، رباخواری، قاچاق انسان، مصرف داروهای روان‌گردان و رواج پوشش‌های نامناسب را می‌توان از جمله مصادیق آن دانست. عنایت به تعالیم اخلاقی اسلام، وجود راهکارهایی برای زدودن مؤلفه‌های جاهلیت در منابع اخلاقی اسلام را اثبات می‌نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش تحلیل محتوا به شناسایی مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مُدرن پرداخته است و با تأمل در قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق به ذکر برخی از شیوه‌های مقابله با مؤلفه‌های فرهنگ جاهلیت همچون پیشه کردن تقوا، خودسازی و تمرین فروتنی، پیروی از حجت‌های عقلی و نقلی، میانه‌روی و ... پرداخته است.

واژگان کلیدی: قرآن، دعای مکارم‌الأخلاق، جاهلیت، فرهنگ، اخلاق، راهکار اخلاقی، جوامع مُدرن.

*E-mail: mohamadshabanpour@gmail.com

** E-mail: mrs.besharati@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) عادات، احکام و عقاید باطل، کج‌اندیشی‌ها و انحراف‌هایی جامعه آن روز را گرفتار ساخته بود که مکتب اسلام از آن به «جاهلیت» تعبیر کرده است. بر این اساس، جاهلیت را باید دوره‌ای از زمان دانست که فرهنگ خاصی بر آن حاکم بوده است. قرآن کریم موضوع جاهلیت را به مناسبت‌های مختلف بیان کرده است و مؤلفه‌های فرهنگ حاکم بر آن دوران را مذمت کرده است. با عنایت به آیات قرآن می‌توان به مؤلفه‌هایی از فرهنگ جاهلیت اشاره کرد که عبارتند از تبرج (راه رفتن با غرور و اظهار محاسن)^۱، تعصب و خشم ناشی از غرور^۲، وضع احکام در مقابل حکم خداوند^۳ و پندارهای باطل^۴ عنایت به افکار و رفتار نوع انسان‌ها در عصر حاضر این حقیقت را به خوبی می‌نمایاند که غالب مردم در جوامع امروزی نیز از همان عادات و عقاید حاکم بر قرون اولیه پیروی می‌کنند. بر این اساس، ارایه راهکارهایی در برای مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن ضرورت دارد. از آنجایی که بعثت پیامبر اکرم (ص) خط بطلان بر آداب و سنت‌های دوران جاهلیت کشید، وجود راهکارهایی برای زدودن مؤلفه‌های جاهلیت، در تعالیم اخلاقی اسلام قابل تصور است. لذا فرضیه این مقاله امکان مهار و زدودن مؤلفه‌های فرهنگ جاهلیت با بهره‌گیری از راهکارهای اخلاقی اسلام است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا به شناسایی مؤلفه‌ها و مصادیق فرهنگ جاهلیت در جوامع مدرن پرداخته است و آنگاه با بهره‌گیری از تعالیم قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق راهکارهایی را به منظور مقابله با این مؤلفه‌ها مطرح نظر قرار داده است. رهیافت فوق کوششی است برای پاسخگویی به این سؤال اصلی که: «راهکارهای مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن با عنایت به قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق چیست؟».

۱- مؤلفه‌های جاهلیت مدرن و مصادیق آن

پندارهای باطل، احکام جاهلانه، تعصب و تبرج از جمله مؤلفه‌های فرهنگ جاهلیت هستند که در قرآن مذمت شده‌اند. باید در نظر داشت که مؤلفه‌های مذکور محدود به زمان یا جغرافیای خاصی نیستند، لذا در هر زمان یا مکانی که مجال بروز یابند، سازنده فرهنگ جاهلیت خواهند بود. بنابراین، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های قرآنی جاهلیت می‌توان رد پای فرهنگ جاهلی را در دنیای مدرن امروزی جستجو کرد و آن را جاهلیت مدرن نامید. در این بخش، مؤلفه‌های قرآنی جاهلیت با عنایت به مصادیق امروزی آن مورد واکاوی قرار گرفته است.

۱-۱) پندارهای جاهلانه

از جمله عناصر سازنده فرهنگ جاهلیت در قرآن، پندارهای باطلی است که خداوند از آنها به «ظنّ الجاهلیّة» تعبیر فرموده است: ﴿...يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ...﴾ آنها گمانهای نادرستی، همچون گمانهای دوران جاهلیت درباره خدا داشتند... ﴿(آل عمران / ۱۵۴). بسیاری از مفسران چنین پندارهایی را شرک‌آمیز قلمداد کرده‌اند (ر.ک: مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۳۰۸؛ زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۲۸ و کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۵۸۰). علامه فضل‌الله نیز ظنّ جاهلیت را پندارهای ناشی از توجه به حیات مادی و نپذیرفتن سُنن حتمی الهی، و آن را ناشی از شک و تزلزل (عدم طمأنینه) دانسته است (ر.ک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۳۲۳). همچنین ظنّ جاهلیت از سوی بعضی از مفسران به «سوء ظنّ» تعبیر شده است (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۹۹ و فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۴۴). برخی نیز معتقدند که ظنّ اهل جاهلیت در مقابل حلم قرار دارد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳: ۱۵۹ و حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۷۸). گروهی دیگر از ظنّ جاهلیت، هرگونه گمان و ظنّ باطل را که شامل تمامی موارد فوق می‌شود، برداشت کرده‌اند (ر.ک: نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱: ۱۳۱؛ مدرّسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۳۸۲).

بر پایه آنچه ذکر شد، پندارهای جاهلانه شامل سوء ظنّ، گمان‌های باطل و باورهای خرافی^۵ و شرک‌آمیزی می‌شوند که ناشی از خودپسندی و توجه به حیات مادی هستند و در نهایت، اثری جز عدم آرامش و طمأنینه در فرد نخواهند گذاشت.

بنابراین، اگر توجه به حیات مادی سبب ظهور اوهام و پندارهای باطل در عصر جاهلیت اولی بوده، در عصر حاضر نیز تعبیر اومانستی از انسان، انسان‌محوری و مادی‌گرایی که زیربنای ایدئولوژیک تمدن جدید است، سبب پیدایش یک فرهنگ جاهلانه مدرن شده است. بر این پایه است که بشر مرقّه امروزی تاب‌رهایی از دام ظنون و اوهام ناشی از تفکر مذکور را ندارد و در اضطراب و افسردگی به سر می‌برد. صرف سالیانه میلیاردها دلار داروهای آرام‌بخش تنها در ایالات متّحده (ر.ک: مولانا، ۱۳۹۰: ۵۴) خود مؤیدی بر این ادعاست. عدم توجه به جنبه روحی وجود انسان و مادی‌گرایی صرف، مورد انتقاد فلاسفه غربی نیز واقع شده است. راسل می‌گوید: «اگر همه مردم مرقّه‌الحال و فارغ‌البال بودند و تنگدستی و بیماری به حداقل ممکن رسیده بود، باز هم برای نیل به یک جامعه ارجمند محتاج تلاش فراوان بودیم. حتی در وضع فعلی عالم نیز اموری که ارزش روحی دارد، لااقل دارای همان درجه

اهمیتی است که امور مادی حایز است و فایده فلسفه به طور انحصاری از لحاظ غایات و اغراض روحی است» (راسل، ۱۳۷۷: ۱۹۰).

امروزه ترویج سوء ظن نسبت به تعالیم آسمانی که در رأس آن سوء ظن به خداست، از مبانی فکری سازنده تمدن جدید به شمار می‌رود. اسلام‌هراسی نمونه بارزی از اقدام‌های تبلیغی ایشان در راستای ایجاد سوء ظن در ملت‌ها نسبت به تعالیم آسمانی اسلام است. نمونه بارزی از آن نشر کتاب *آیات شیطانی* است. باید در نظر داشت چنین تفکری در قالب فیلم‌های گوناگون، گاه با عناوین تاریخی و گاه به صورت مجموعه خاطرات افراد نیز عرضه می‌شود. در این باره، می‌توان به نشر کتاب بدون دخترم هرگز^۷ و تبدیل آن به فیلم سینمایی و اکران عمومی آن در سال ۱۹۹۱ اشاره کرد (ر.ک؛ حسینی، ۱۳۹۱: ۲۲۵). هرچند این کتاب در نگاه اول آداب و سنن ایرانی را مورد حمله قرار داده بود، لکن درونمایه اصلی آن اهانت به نمادها و تعالیم آسمانی اسلام بود و دیدگاه دینی در برخورد با زنان را مورد نکوهش قرار داده بود که سبب القای سوء ظن در مخاطبان خود نسبت به اسلام و مسلمانان شد. پندارها و باورهای خرافه‌گونه‌ای دیگر از پندارهای باطل در دوران جاهلیت بودند که هم‌اکنون نیز در جوامع مُدرن مشاهده می‌شوند؛ به عنوان نمونه گربه سیاه در فرهنگ بسیاری از کشورها همچون کانادا مایه بدشانسی است. مصداق بارز آن مسابقه فوتبالی بود که با ورود گربه سیاه به درون زمین روحیه بازیکنان تیم تحت تأثیر قرار گرفت و در نهایت، تیم کانادایی به خرافات باخت و از دور رقابت‌ها کنار رفت (خبر آنلاین، ۱۳۹۱/۶/۸: کد مطلب: ۲۳۹۳۰۶).

۱-۲) تعصّب

با عنایت به آیه **﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ...﴾** (به خاطر بیایورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند... ﴿ (الفتح/۲۶)، تعصّب و خشم شدید به عنوان مؤلفه‌ای دیگر از فرهنگ دوران جاهلیت به شمار می‌رود. مفسران منشاء عصبیت جاهلانه را، غرور و تبختری می‌دانند که گاه ناشی از عادات و سنت‌های به جای مانده از اجداد و پدران بوده است و حاصلی جز عدم تسلیم و انقیاد در برابر حق و حقیقت نداشته است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۹۱ و فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۸: ۸۵). عده‌ای از مفسران معتقدند حمیت جاهلی تعصبی خشم‌آلود است که عقل کفار را پوشانده بود (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۶: ۱۶۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸: ۲۸۹ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۱: ۱۲۳). برخی دیگر از مفسران حمیت جاهلی را به معنای غرور، تبختر و تبطر می‌دانند که مقید به عقیده و منهج خاصی نیست (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ ش، ج

۲۷: ۲۰۱ و طنطاوی، بی تا، ج ۱۲: ۲۸۱). بر این پایه است که تعصب مانع از درک حقیقت می‌شود (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۶: ۲۳). لذا دور گشتن از حقیقت و عدم به‌کارگیری عقل را می‌توان از آثار و نتایج تعصب جاهلی دانست که در نهایت، منجر به تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش و بالعکس می‌شود.

تعصب حاکم بر عصر جاهلیت، در جوامع مدرن امروزی نیز به اشکال مختلف ظهور یافته است و مؤلفه‌ای دیگر از جاهلیت مدرن را نمایان ساخته است. امروزه عقل‌گرایی صرف، گونه‌ای از تعصب جاهلی است که پیروی از عقل بشر را به تنهایی کافی دانسته است و در نهایت، به انسان‌محوری (اومانیزم) می‌انجامد. هرچند عقل، عنصری اساسی در شناخت حق و حقیقت و عامل مهم در پیشگیری از تعصب و تحجر است، لیکن عقل‌گرایی صرف، خود پوشاننده حقیقت و سازنده گونه‌ای مدرن از تعصب جاهلی است. بر پایه چنین اعتقادی، فکر آخرت، دنیا را در نظر معتقد خوار نشان می‌دهد و او را از اندیشه توسعه منحرف می‌سازد. یکی از محققان معاصر از صاحبان دیدگاه مذکور می‌پرسد، در جایی که حرص مصرف وجود دارد، چگونه اعتقاد به آخرت دست ما را در ساختن و پرداختن می‌بندد، اما در مصرف آزاد می‌گذارد؟ اگر غرب با خروج از تحجر قرون وسطایی، اعتقادات دینی را کنار نهاد... اکنون آن عالم خود نیز متحجر شده است و کسی نمی‌تواند با پناه بردن به شأنی از آن، از هیچ تحجری خارج شود، بلکه با این پناه بردن، بندهای تحجر او مستحکم‌تر می‌شود (ر.ک؛ داوری اردکانی، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

رسانه‌ها را نیز باید از اصلی‌ترین ابزارهایی دانست که در اختیار تعصب‌های جاهلانه قرار گرفته‌اند. ایشان با پوشاندن واقعیت‌ها سعی در تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش و بالعکس دارند. یکی از متفکران غربی معتقد است همانند بازارهایی که به واسطه تبلیغات ایجاد می‌شود، هدف اصلی در اداره انتخابات دموکراتیک هم که به وسیله ایشان انجام می‌شود، فریب مردم از طریق انگاره‌هایی است که به خوبی ساخته شده‌اند و فقط شباهت اندکی به واقعیت دارند (ر.ک؛ چامسکی، ۱۳۸۷: ۳۰۸).

گونه‌ای دیگر از تعصب جاهلانه در جوامع پیشرفته، آمیختن اعتقادات و خواسته‌های خود با حقایق است که مصداق بارز آن اروپامداری است. اروپامداری دستچین کردن حقایقی است که غرب را درون تاریخ توسعه جهان و شرق را خارج از آن قرار می‌دهد (Roberts, 1985: p. 201 & Landes, 1998: p.514).

این در حالی است که منتقدان، غیرواقعی بودن این گونه تعصّب‌ها را مورد نقد قرار داده‌اند. دویویس می‌گوید «حقایق را باید به‌طور کامل از خواسته‌ها و اعتقادات خود جدا کنیم و تا جایی که امکان دارد، رویدادهایی را حقیقی بدانیم که به واقع در جهان رخ داده است» (Bois, 1935: p. 722).

مصادق مشهور تعصّب جاهلی در دوره جاهلیت اولی، زنده به گور کردن دختران است^۱. تعالیم اسلام به شدت با این رسم جاهلی مخالفت کرده است و آن را از میان برده است. این در حالی است که در دنیای مُدرن امروز اقدام به چنین عمل جاهلانه‌ای قبل از تولّد فرزند، نه تنها جُرم تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از حقوق زنان قلمداد می‌گردد. از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون، اصل سقط جنین قانونی شده است (Cohen, 2006) و سالانه چهل و دو تا هفتاد میلیون سقط جنین در جهان صورت می‌گیرد که از این تعداد نود و سه درصد به درخواست والدین انجام می‌شود (Guttmacher Institute, 2008).

۱-۳ احکام جاهلیت

با عنایت به آیه شریفه «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ...: آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می‌خواهند؟...» (المائده/۵۰)، حکم جاهلی را می‌توان از دیگر مؤلفه‌های عصر جاهلیت دانست. در تفاسیر روایی شیعه، به روایتی از امام حسین (ع) و امام باقر (ع) استناد شده است که ایشان می‌فرمایند: «الْحُكْمُ حُكْمَانِ: حُكْمُ اللَّهِ وَ حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ» (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۳۱۲ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۶۴۰). بر این پایه است که مفسران نیز خروج از حکم الهی را بازگشت به احکام دوران جاهلیت می‌دانند (ر.ک؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۶: ۴۱۳ و جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۸). گروهی نیز حکم جاهلیت را به حکمرانی بر پایه شهوات، هوی و جهل تعبیر کرده‌اند (ر.ک؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۳۹۲؛ عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۳۸۴ و حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۲: ۴۰۲).

بر این اساس، حکم جاهلیت به حکمی تعبیر می‌شود که در مقابل حکم خداوند وضع شود. باید در نظر داشت که نظام اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی عصر جاهلیت نیز بر پایه چنین احکام پایه‌ریزی شده بود و این در حالی است که احکام جاهلی در ساختار جوامع امروزی نقشی کلیدی دارد و بسیاری از مناسبت‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی بشر امروزی را سازماندهی کرده است.

۱-۳-۱) احکام اقتصادی

بخشی از احکام عصر جاهلیت بر مبنای منافع اقتصادی گروه یا قبیله‌ای خاص وضع می‌شد که نتیجه‌ای جز رواج فساد، ارتشاء و... در جامعه نداشت. بر این اساس، برخی از مصادیق آن در جوامع امروزی در این بخش مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۳-۱-۱) رباخواری

ستون فقرات اقتصاد عرب جاهلی را نظام رباخواری تشکیل می‌داد. ایشان به قصد توجیه ربا، یک حکم کلی وضع کرده بودند که عبارت بود از ﴿...قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا...﴾ گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست). ﴿البقره/ ۲۷۵﴾. رباخواران ثروت خود را در یک قطب گرد می‌آوردند و تمام زیان‌های اقتصادی را متوجه طرف دیگر می‌ساختند. این عمل زشت در عصر جاهلیت مدرن به وفور یافت می‌شود، به گونه‌ای که اقتصاد اداری جامعه را فلج کرده است و بر فساد آن می‌افزاید؛ به عنوان نمونه در مدت بیست سال (۲۰۰۸-۱۹۹۸م) در آمریکا، ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر شده‌اند. شکاف طبقاتی در آمریکا، بر خلاف افزایش کلی درآمد ملی بیشتر شده است و در عین حال، شرکت‌های غول‌آسای ملی و فراملی واحدهای کوچک و متوسط را که در گذشته، پشتوانه جامعه آمریکا بوده‌اند، در خود ادغام کرده‌اند (ر.ک؛ مولانا، ۱۳۹۰: ۶۵). پس از وقوع بحران اقتصادی غرب در سال ۲۰۰۸ میلادی، روزنامه واشنگتن پُست در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد ورشکسته»، بحران اقتصادی غرب را به معنای جامع و وسیع آن، ورشکستگی اقتصاد مدرن نامید (ر.ک؛ همان: ۶۸).

۱-۳-۱-۲) برده‌داری

برده‌داری نیز بخشی از ساختار اقتصادی دوران جاهلیت محسوب می‌شد. ایشان برده‌ها را به عنوان کالا خرید و فروش می‌کردند و این امر قواعد و احکام خاص خود را داشت. وضع قوانین جدید برده‌داری در اسلام به تدریج منجر به الغای آن شد که یکی از محققان معاصر از آن به «نسخ تمهیدی زمان‌بندی شده» تعبیر کرده است (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

باید در نظر داشت که امروزه و در قرن بیست و یکم هنوز در کشورهای پیشرفته دنیا برده‌داری رایج است. پدیده قاچاق زنان بعد از قاچاق اسلحه و مواد مخدر، سومین تجارت پُرمنفعت و غیرقانونی

جهان به شمار می‌رود. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (International Labor Organization)، حضور و فعالیت این قربانیان در کشورهای مقصد، هر سال رقمی بالغ بر ۳۲ میلیارد دلار را در بر می‌گیرد که نصف این رقم مربوط به کشورهای صنعتی است. مجمع پارلمانی شورای اروپا در سال ۲۰۰۴ میلادی با نگرانی و تأسف اعلام کرد که «امروزه و در قرن ۲۱، هنوز در اروپا برده‌داری رایج است. این برده‌ها اکثراً زن هستند و در مشاغل خصوصی و خانگی به کار گمارده می‌شوند. آنها ابتدا به صورت «عروس سفارشی»، از طریق پست الکترونیک وارد این کشورها شده‌اند، سپس با هدف استثمار جنسی به کشورهای ثالث قاچاق می‌شوند» (همشهری آنلاین، ۱۳۸۷/۶/۲۶: کد مطلب: ۶۳۵۱۴).

۳-۱-۳-۱) وضع احکام جدید

بر هم زدن ماه‌های حرام را باید نمونه‌ای دیگر از وضع احکام بر اساس هوی و هوس و به قصد منفعت اقتصادی در مقابل حکم خداوند در عصر جاهلیت دانست که خداوند در قرآن از آن به زیادت در کفر تعبیر فرموده است: ﴿إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ... نَسِيءٌ﴾ [جا به جا کردن و تأخیر ماه‌های حرام]، افزایشی در کفر (مشرکان) است... ﴿التَّوْبَةُ﴾ (۳۷). ایشان هر ساله پس از انجام مناسک حج، ترتیبی برای ماه‌های حرام معین می‌کردند و وضع چنین قانونی گاه به قصد کشتار و تجارت و گاه بدین هدف بود که موسم حج در فصلی معتدل قرار گیرد و از این طریق خرید و فروش رونق گیرد (ر.ک؛ جعفری، بی‌تا، ج ۱: ۴۸۱).

در دنیای مُدرن امروزی نیز وضع احکام و تعهدات در راستای منفعت اقتصادی بعضی از کشورها صورت می‌گیرد و مصداقی دیگر از جاهلیت مُدرن را به نمایش می‌گذارد. امروزه گسترش سلاح‌های کشتار جمعی علاوه بر افزایش توان نظامی کشورها، خود به عاملی برای جنگ‌افروزی میان کشورهای دیگر محسوب می‌شود تا با توسل به این شیوه بازار خرید و فروش اسلحه نیز رونق یابد. ایشان تعهد به معاهدات و قوانین بین‌المللی را برای دیگر کشورها لازم و برای خود داوطلبانه می‌دانند. جیمی کارتر پس از کنفرانس NPT در سال ۲۰۰۵ میلادی از دولت ایالات متحده آمریکا به مقصّر اصلی تضعیف NPT تعبیر کرده است. او معتقد است که دولت آمریکا با اینکه ادعا دارد در پی محافظت از جهان است، اما معاهدات بین‌المللی را زیر پا گذاشته است و طرح‌هایی را برای گسترش سلاح‌های جدید، شامل موشک‌های ضد بالستیک، سدشکن و ... به اجرا درآورده است (Charls hanly, 2005).

۲-۳-۱) احکام فرهنگی - اجتماعی

وضع احکام جاهلی گاه در ساختار فرهنگی - اجتماعی نظام جاهلیت صورت می‌گرفت که از جمله مصادیق آن می‌توان به مردارخواری و فساد اخلاقی اشاره کرد که در جوامع امروزی نیز مشاهده می‌شود.

۱-۲-۳) مردارخواری

با عنایت به آیه ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾: خداوند هیچ‌گونه «بحیره»، «سائبه»، «وصیله» و «حام» قرار نداده است [اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را به عللی حرام می‌دانستند و این بدعت، در اسلام ممنوع شد]. ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می‌بندند و بیشتر آنها نمی‌فهمند ﴿المائدة/۱۰۳﴾. خداوند بهره‌گیری از گوشت دسته‌ای از چهارپایان را که سه صنف از آن یعنی «بحیره»، «سائبه» و «حامی» از جنس شتر و یک صنف آن یعنی «وصیله» از جنس گوسفند است، حلال دانسته است. این در حالی است که مردمان جاهلیت برای آنها احترام‌های خاصی قایل بوده‌اند و به همین منظور، احکامی از نزد خود برای آنها جعل کرده بودند، اینک خدای تعالی در این آیه شریفه می‌فرماید: «این احکام از ناحیه من نیست، علامه طباطبائی معتقد است که این نفی، نفی خود آن انعام نیست، بلکه نفی احکام و اوصاف آنهاست، بنابراین، برگشت نفی تشریح «بحیره» و آن دیگران به نفی مشروعیت احکامی است که به آنها نسبت داده می‌شد و در بین مردم آن عصر معروف بوده است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۱۵۶).

مردم عصر جاهلیت در مقابل این تحریم شدید، از گوشت خوک، خون، مردار و ... استفاده می‌کردند. این در حالی است که اسلام با این سنت جاهلی نیز به مقابله پرداخت و با نزول آیه زیر بهره‌گیری از خون، گوشت خوک و مردار را تحریم فرموده است: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ...﴾: خداوند تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است... ﴿البقره/۱۷۳﴾.

سخنان سناتور آمریکایی رالف شورتی (Ralf Shorty) در ایالت اوکلاهاما، بیانگر برخی مصادیق مردارخواری در عصر جاهلیت مُدرن است. او فاش کرد که شرکت‌های پِپسی (pepsi)، کرافت (craft) و

نستله (nestle) از سلول‌های کبد جنین‌های سقط شده به‌عنوان طعم‌دهنده در نوشیدنی‌های خود استفاده می‌کنند (<http://www.naturalnews.com>).

۱-۲-۲-۲) شراب، قمار و فساد اخلاقی

نظام فرهنگی - اجتماعی جاهلیت علاوه بر مردارخوری، به ناهنجاری‌های دیگری نیز دچار بوده است. شراب‌خواری، قمار، روابط نامشروع جنسی و هم‌جنس‌گرایی در جامعه آن روز حرمتی نداشت، بلکه سازنده بخشی از جامعه جاهلیت به‌شمار می‌رفت. امروزه تنها قمار و شراب نیست که سبب ایجاد فحشا در جوامع مدرن شده است، بلکه رواج انواع جدید مواد مخدر با اشکال مختلف سبب ایجاد ناهنجاری‌های فراوان، جرایم، فحشا و فجایع گوناگونی شده است. امروزه شیشه به‌عنوان یک واژه جدید به واژگان جنایی کشورها اضافه شده است. اداره دارو و جرم آمریکا اعلام کرد که میزان مصرف این دارو از سه درصد در سال ۱۹۹۶ میلادی به نه درصد در سال ۲۰۰۶، و در برخی از ایالات مانند هاوایی این میزان به ۴۸/۲ درصد رسیده است. همچنین در کشورهای اروپایی سوئد، فنلاند، چک و اسلواکی و کانادا، آمار مصرف کنندگان شیشه از بیست درصد ساکنان این نواحی تا شصت درصد بوده است (<http://www.drugfreeworld.org>).

۱-۴) تبرج

خداوند در آیه ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...﴾ و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید... ﴿(الأحزاب/ ۳۳)، از زنان پیامبر (ص) می‌خواهد که همانند جاهلیت اولی تبرج نکنند. غالب مفسران «تبرج» را «خروج از خانه و راه رفتن با ناز و کرشمه و تبختر در حضور مردان» می‌دانند (ر.ک؛ جصاص، ۱۴۰۵ ق، ج ۵: ۲۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴: ۲۳۱ و خازن بغدادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳: ۴۲۰). بعضی دیگر معتقدند که حقیقت «تبرج»، «اظهار زینت» است و هر آنچه را که اظهار کردنش قبیح باشد، شامل می‌شود (ر.ک؛ نخاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۳: ۲۱۵ و کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۲۸۳).

جهان امروز از «تبرج جاهلیت» به آزادی زنان تعبیر کرده است و با شعارهای فمینیستی در جستجوی حقوق از دست‌رفته زنان و بازگرداندن آن به ایشان است. یکی از محققان معاصر معتقد است که پس از گسترش اومانیسیم و تبدیل آن به رکنی از ارکان اصلی تفکر غربی، زن مبتدل به کالایی شده است که ارزش آن به‌اندازه لذت بخشی آن است. بر این اساس، زن دیگر آن انسانی نیست که امانت‌دار

الهی است. او فقط تن است و ارزش او به اندازه تن اوست. وی همچنین زنده بودن مرد امروزی را نیز در گرو نگاه به زن می‌داند و آنگاه به این اشاره می‌کند که دست کم یک‌سوم مجلات میزهای روزنامه‌فروشان غربی چشم‌نامه است که تیراژی افزونتر از بقیه مجلات دارند (ر.ک؛ حدّاد عادل، ۱۳۷۰: ۱۱ و ۱۳). او در بخش دیگری از کتاب خود، جلوه‌گری را منحصر در زنان ندانسته است و معتقد است این تنها لباس زنان نیست که تابع رابطه چشم و جسم است که لباس مردان نیز هست. تصادفی نیست که کُت و شلوار مردانه غربی که همگان امروزه آن را می‌پوشند، این اندازه چسبیده به تن و به اصطلاح قالب تن است. لذا این میل به نمایاندن تن است که حتی لباس مردان را نیز این اندازه تنگ می‌سازد و به تن می‌چسباند (ر.ک؛ همان: ۱۲).

۲- نقش اخلاق در مقابله با جاهلیت

بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) را باید نقطه آغازی بر زدودن احکام و عادات حاکم بر دوره جاهلیت دانست. روایت مشهور رسول خدا(ص) که در آن دلیل بعثت خویش را تمام کردن مکارم اخلاق عنوان کرده‌اند^۱، بیانگر وجود دستورالعمل‌هایی در تعالیم اخلاقی اسلام برای پایان دادن به آداب و سنن جاهلی است. خداوند متعال هدف از برانگیختن پیامبرش را انجام اموری چون تلاوت آیات الهی، تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت به انسان‌ها دانسته است، چنان که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...﴾ خداوند بر مؤمنان منت نهاد [و نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد... ﴿(آل عمران/۴). بر این اساس، تعلیم حکمت از جمله اموری است که بر عهده پیامبر اکرم(ص) بوده است. با عنایت به تعالیم اخلاقی بیان شده در سوره‌های لقمان^{۱۱} و اسری^{۱۲} که از آن به نام «حکمت» یاد شده است، علم اخلاق را می‌توان بخشی از حکمت دانست که از آن به حکمت عملی تعبیر می‌شود (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۷۹: ۶). بنابراین، وجود راه‌حلی برای مقابله با مؤلفه‌های سازنده فرهنگ جاهلیت در تعالیم اخلاقی اسلام قابل تصور است. دعای مکارم الأخلاق از جمله منابع اخلاقی اسلام به شمار می‌رود که از امام سجّاد(ع) روایت شده است. لذا با تأمل در آیات قرآن و دعای مذکور می‌توان به راه‌هایی برای برچیدن فرهنگ جاهلی حاکم بر جوامع مُدرن امروزی دست یافت. در این بخش به نمونه‌هایی از این راه‌ها اشاره می‌شود.

(۲-۱) مقابله با تبرج

تبرج از جمله مؤلفه‌های فرهنگ جاهلی است که پیشتر معانی اظهار کردن محاسن، راه رفتن با غرور و کرشمه و ظهور و بروز زینت‌ها و زیبایی‌ها برای آن مد نظر قرار گرفته شد. با عنایت به تعالیم قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق، پیشه کردن تقوا و نگهداری نفس، مؤثرترین شیوه مقابله با تبرج جاهلی است. خداوند متعال در قرآن کریم لباس تقوی را برتر از لباس ظاهر می‌داند، چنان که می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ...﴾ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست، اما لباس پرهیزگاری بهتر است... ﴿(الأعراف/۲۶). بر این اساس، مفسران در خصوص لباس تقوا دیدگاه‌هایی را ارایه کرده‌اند که فصل مشترک آراء ایشان را می‌توان تفسیر لباس تقوی به لباس معنویت دانست. بعضی از ایشان معتقدند که لباس تقوا پوشاننده سوات (زشتی‌های) واقعی است، لذا کسی که آن را می‌پوشد، مظهر نور، طهارت و نزاهت می‌شود. چنین شخصی قهراً از مظاهر جمال خداوندی محسوب می‌شود (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۸: ۳۱۶). لباس تقوا سیئات باطنی را می‌پوشاند و آدمی را از شرک و رسوایی باز می‌دارد. به همین دلیل، تأثر از بروز معایب باطنی ناگوارتر است؛ زیرا حسابگر آن مردم نیستند، بلکه خداوند است و حاصل آن هم بدبختی دایمی است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۶۹ و ۷۰). تقوا حقیقتی وجودی است که به سبب آن عورت‌های معنوی و نقص‌های نفسانی پوشیده می‌شود (ر.ک؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۷۴).

بنابراین، همانگونه که لباس، جسم انسان را می‌پوشاند و آن را از گرما و سرما حفظ می‌کند، روح تقوا و پرهیزگاری علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفظ خطرات فردی و اجتماعی، زینتی چشمگیر است که بر شخصیت انسان می‌افزاید (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۳۲ و ۱۳۳).

فقدان لباس تقوی، فقدان شخصیت فردی، اجتماعی، سیاسی و خطا فکری انسان در مسیر زندگیش است. بر این پایه، پوشیدن لباس تقوا، توجه به تمام نقاط ایجابی و مثبت شخصیت یک فرد و برای دادن به آن است (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ۷۲). از آنجایی که روح، جزء افضل وجود انسان است، لباس روح بر لباس جسم برتری دارد و رعایت تقوا به معنای جلوگیری و نگه داشتن انسان از هر چیزی است که جسم و روح انسان را آلوده می‌کند (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۱: ۷۱ و ۷۲). لذا پوشیدن لباس تقوا، توجه به زینت روح و شخصیت انسان است که به طور قطع از هر گونه تبرج و

زینت ظاهری جسم انسان پسندیده تر است. برخی از مفسران رعایت حیا و عفاف را مصداق بارز پوشیدن لباس تقوا دانسته‌اند (ر.ک؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۹۵).

بی‌شک توجه به زینت روح، رعایت حیا، عفاف و ترس از خدا اصلی‌ترین راهکار برای مقابله با تبرج است. امام سجّاد(ع) نیز می‌فرماید: «وَأَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ: زینت پرهیزکاران را بر من ببوشان» (صحیفه سجّادیه، ۱۳۷۶: ۹۶). آن حضرت (ع) پوشیدن لباس تقوا را زینت متّقین می‌داند. ایشان همچنین با آوردن عبارت «وَحَلَّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ: مرا به زینت شایستگان بیارای» (همان)، از تقوا به زینتی برای بندگان شایسته خدا تعبیر کرده‌اند. بر این پایه است که حضرت در فرازی دیگر از دعای مکارم‌الأخلاق از خداوند خواسته‌اند که تقوا را بر قلب ایشان الهام نماید، چنان‌که می‌فرماید: «وَأَلْهِمْنِي التَّقْوَى» (همان: ۹۸).

امام سجّاد(ع) علاوه بر لباس تقوا به خلعت رضای الهی و خشنودی خداوند نیز اشاره کرده‌اند: «وَجَلَّنِي رِضَاكَ: و خلعت خشنودیت را بر من ببوشان» (همان: ۱۰۰). لذا پوشیدن لباس تقوا که در حقیقت همان خداترسی و نگهداری نفس از ارتکاب به گناهان است، زینتی زوال‌ناپذیر و مایه خشنودی خداوند است. بنابراین، اگر آنچه بشر امروزی انجام می‌دهد، می‌پوشد و از زینت‌ها برمی‌گیرد، مزین به تقوای الهی باشد، مقبول درگاه خداوند و مورد رضای او خواهد بود. بدیهی است بنده‌ای که طعم رضای الهی را چشیده باشد، هرگز اسیر زرق و برق دنیای جاهلی مدرن نخواهد شد.

۲-۲) چیرگی بر تعصّب

پیش از این اشاره شد که تعصّب، خشم شدید و عدم تعقل و تسلیم شدن به حق و حقیقت است که از غرور و تبختر نشأت می‌گیرد. باید در نظر داشت که مقابله با عوامل پیدایش این مؤلفه جاهلی برای غلبه بر آن ضرورت دارد. غرور را باید یکی از عواملی دانست که در ایجاد تعصّب جاهلی نقشی مؤثر و کلیدی دارد. خداوند در قرآن کریم این خصلت مذموم را نکوهش فرموده است و در برخی آیات همچون «وَلَا تَمْسِرْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...» و روی زمین، با تکبر راه مرو...» (الإسراء/۳۷) و «وَلَا تَصْعُرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ...» (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان...» (لقمان/۱۸)، انسان‌ها را از شادی همراه با تکبر و برگرداندن صورت (رویگردانی از خلق) برحذر داشته است و صاحب چنین اعمالی را فخور (فخر فروش) و مختال (کسی که بر اساس خیال و توهم خود را برتر می‌داند)، دانسته است. خداوند در آیه ۳۷ از سوره اسراء پس از نهي از راه رفتن همراه با فرح و غرور روی زمین، این نکته را یادآور شده

که «تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و از نظر بلندی به بلندی کوه برسی». این بخش از آیه حاوی راهکاری مهم برای مهار غرور در وجود انسان است و آن توجه به عظمت خلقت و ضعف بشر از تصرف در آن است. چنین برداشتی در آراء مفسران نیز مشاهده می‌شود. ایشان معتقدند انسانی که توانایی تصرف و تغییر در زمین را ندارد و در مقابل کوه‌ها، پستی و بلندی، عرض و طول و استحکام آنها تاب مقاومت ندارد، نباید به خود ببالد و دچار غرور شود (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۱۸۹ و ۱۹۰؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۵: ۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۸: ۷۳ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۳: ۱۹۳). در سایه چنین غروری، آنچه کسب می‌کند امور موهومی هستند که خالی از حقیقت هستند و خارج از درک و واهمه آدمی واقعیت چندانی ندارند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۳: ۹۷). بدین ترتیب، خداوند در این آیه به بندگان درس تواضع، مروت و وقار داده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۴۱). بر این پایه است که فروتنی و خضوع، از جمله خصوصیات مؤمنان و صاحبان علم برشمرده شده است: ﴿وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ آنها (بی‌اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوع ایشان می‌افزاید ﴿(الإسراء/۱۰۹)

امام سجّاد (ع) بهترین راه برای مهار غرور را خودسازی و تمرین فروتنی می‌دانند. آن حضرت از خداوند می‌خواهند درجه و مرتبه ایشان را نزد مردم بلند نگرداند، مگر آنکه به همان اندازه نزد خودشان پست گردند: «وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا: درجه و مرتبه مرا نزد مردم بلند مگردان، مگر آنکه به همان اندازه نزد خودشان پست گردند» (امام سجّاد (ع)، ۱۳۷۶: ۹۲). در ادامه خواستار عزتی می‌شوند که آشکار شدنش به همان اندازه احساس خاکساری در باطن انسان ایجاد کند: «وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أُحَدِّثْ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا: عزتی آشکار برایم ایجاد مکن، مگر آنکه به همان اندازه در باطن مرا خاکسار سازی» (همان).

امام سجّاد (ع) در فرازی دیگر از دعای مکارم‌الأخلاق از خداوند خواسته‌اند که ایشان را به سرکشی نیازماید؛ زیرا توان و دارایی از آن خداوند است: «وَلَا أَطْعَيْنُ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي: مرا به سرکشی میازمای که توان و دارایی من از توست» (همان: ۹۸). بر این اساس، می‌توان به گونه‌ای از تعصّب اشاره کرد که ناشی از نادیده‌انگاری منبع عظیم قدرت الهی و عدم استعانت از آن است. چنین انسانی توان و دارایی خویش را از جانب خود دانسته، سرکش شده، به عصیّت دچار می‌شود. لذا یکی از راه‌های مقابله با غرور و تعصّب جاهلی را می‌توان اعتماد به قدرت خداوند و اتکالی به او دانست. آن کس که به

خدا به عنوان منشاء و محور همهٔ امور باور دارد، در برابر این قدرت لایزال خاضع و خاشع می‌شود و هرگز دچار غرور جاهلی نخواهد شد.

از دیگر عوامل ایجاد تعصب، تقلید کورکورانه و پیروی از عادات گذشتگان بدون به‌کارگیری عقل است که خداوند متعال آن را معادل پیروی از شیطان دانسته است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ...» گروهی از مردم بی‌هیچ علم و دانشی به مجادله دربارهٔ خدا برمی‌خیزند... ﴿الحج/۳﴾. غالب مفسران معتقدند این آیه در شأن «نضر بن حارث» از مشرکان متعصب، لجوج و پشت‌هم‌انداز است که فرشتگان را دختران خدا قلمداد می‌کرد و از این عقیدهٔ باطل بدون داشتن علم و تعقل دفاع می‌کرد (ر.ک؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲: ۴۴۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷: ۸۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۲۹۸ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۶۲). بنابراین، مجادلهٔ بدون علم در آیهٔ مذکور نوعی موضع‌گیری متعصبانه و بدون فکر است که حاصلی جز عدم آرامش ندارد. علامه فضل‌الله معتقد است کسانی که از دیگران در آثار خود تقلید می‌کنند، بدون اینکه به نتایج ایجابی و سلبی آن واقف باشند، از مصادیق آیهٔ فوق به شمار می‌روند (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶: ۱۴ و ۱۵). این در حالی است که خداوند در آیهٔ مذکور دلیل تعصب و تقلید کورکورانه را نداشتن علم، هدایت و کتاب‌مُنیر دانسته است که اکثر مفسران از کتاب‌مُنیر به وحی الهی تعبیر کرده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۴۹؛ فاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۷: ۲۳۴ و سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۱۲). پس پیروی از حجت‌های عقلی و نقلی همچون علم و وحی الهی جایگزین شایسته‌ای برای متابعت از شیطان و هوای نفس است که توان رهانیدن بشر امروزی را از دام تعصب جاهلی دارد و این مؤلفهٔ جاهلی را از جامعهٔ مسلمانان می‌زداید.

خشم و تعصب شدید از جمله عیوب درونی انسان است که منجر به عدم تسلیم او در برابر حق می‌شود. امام سجّاد (ع) یکی از راه‌های اصلاح عیوب را تبدیل آن به فضایل اخلاقی و نیکی‌ها می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خُصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتُهَا، وَ لَا عَائِبَةً أُوْتِبُ بِهَا إِلَّا حَسَنْتَهَا» (صحیفهٔ سجّادیه، ۱۳۷۶: ۹۴). بر این اساس، آن حضرت از خدا می‌خواهند که در وجودشان هیچ خصلت عیب‌ناکی را قرار ندهد، مگر آن را به دایرهٔ اصلاح درآورد و با هیچ عیبی که به خاطر آن سرزنش شوند، رها نشوند، مگر آن را نیکو گرداند. اصلاح عیوب درونی انسان سبب به کمال رسیدن او می‌شود و عادت‌های غلط پیشین او را از بین می‌برد. بر این پایه است که حضرت در ادامه از خداوند می‌خواهند که هیچ کرامتی را در وجود ایشان ناقص نگذارد، مگر اینکه او را به کمال رساند: «وَلَا أُكْرِمُهُ فَيُنَاقِصَهُ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا» (همان). یعنی خشم و تعصب جاهلی نیز قابل تبدیل به فضایل اخلاقی و صفات نیکوست.

همانگونه که آیه هشتم سوره حج، عدم پیروی از سه عنصر علم، هدایت و وحی را عامل ایجاد تعصب می‌داند و تعصب نیز بر اساس آیه سوم همین سوره تبعیت از شیطان است و پیروی از حجت‌های عقلی و نقلی نیز می‌تواند موجب تبدیل تعصب جاهلی به صفات نیکو شود. در فرازی از دعای مکارم‌الأخلاق، اندیشیدن و تأمل در قدرت خداوند راه حلی برای دفع دشمنان خداوند است که شیطان در رأس آنها قرار دارد: «وَتَفَكَّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ» (همان: ۹۶). لذا پیروی از عقل سبب عدم تبعیت از شیطان و مهار تعصب جاهلی است. هدایت و وحی نیز حجت‌های نقلی هستند که در کلام امام سجّاد (ع) با عبارت‌های زیر مشاهده می‌شوند: «وَمُتَابَعَةً مِّنْ أَرْشَادِنِي» (همان)، «وَقِيلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ» (همان: ۹۸) و «وَأَنْطِقُنِي بِالْهُدَى» (همان). تبعیت از کسانی که ارشاد می‌کنند، هدایت کردن انسان قبل از گمراهی و گویا ساختن زبان آن حضرت بر هدایت، بیانگر تأکید ایشان بر هدایت بشر است و با عنایت به اینکه هر آنچه از زبان ایشان خارج می‌شود، به منزله وحی الهی است، لزوم تبعیت از حجت‌های عقلی و نقلی به عنوان جایگزینی برای پیروی از شیطان از کلام امام سجّاد (ع) نیز برداشت می‌شود که به طور قطع یکی از راهکارهای مقابله با تعصب جاهلی و چیرگی بر آن است.

۲-۳) مهار اوهام و پندارهای باطل

پندارهای باطل از دیگر مؤلفه‌های فرهنگ جاهلیت است که جوامع امروزی نیز کمابیش از گزند آن مصون نیستند. باید در نظر داشت که «ظن» در برخی از آیات قرآن به معنای اندیشه باطلی است که پشتوانه و پایه منطقی ندارد. خداوند پیروی از گمان و وهم را از روی نادانی و عدم علم به حقیقت امور می‌داند، چنان‌که می‌فرماید: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ... مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتَّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا؛ و گفتارشان که ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم ... علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشتند» (التساء/۱۵۷). این دیدگاه در آراء مفسران نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، «ظن» به عدم علم ثابت و قطعی به سبب نداشتن برهانی قاطع تعبیر شده است (ر.ک؛ طنطاوی، بی‌تا، ج ۳: ۳۸۱) که صرفاً ترجیح یکی از طرفین بر مبنای تخمین است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۱۳۳ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۸۷). «ظن» به معنای فوق در آیه زیر نیز به کار رفته است که می‌فرماید: «وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...: اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند، اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند...» (الأنعام/۱۱۶). غالب مفسران همان معنای تخمین و پندار باطل و بدون اتکا بر علم و حقیقت را برای این واژه

برگزیده‌اند (ر.ک؛ جعفری، بی‌تا، ج ۳: ۵۳۵، حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۲۴۷ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۳۳۰)۱۳.

پس «ظن» از عدم علم نشأت می‌گیرد و برای آرایه راهکارهایی برای مقابله با ظنون جاهلی باید عواملی را شناخت که سبب دخول گمان‌های باطل بر اذهان، بدون پشتوانه علم، منطوق و برهان می‌شوند. اولین عامل، نداشتن نیت خالص به دلیل پیروی از شیطان است که منجر به ایجاد سوء ظن در فرد می‌شود و خداوند بندگان را از آن بر حذر داشته است و از برخی ظنون به گناه تعبیر فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است... ﴿(الحجرات/۱۲).

امام سجّاد(ع) در دعای مکارم‌الأخلاق نیت درست و استوار را چاره مشکل بدگمانی و سوء ظن دانسته‌اند و می‌فرمایند: «وَيَبِّتُهُ رُشْدًا لَّا أَشْكُ فِيهَا» (صحیفه سجّادیه، ۱۳۷۶: ۹۶). ایشان به تأمل در قدرت خدا برای چاره‌اندیشی در دفع دشمن اصلی یعنی شیطان اشاره می‌فرمایند و از آن به راهی برای مقابله با بدگمانی تعبیر کرده‌اند که در فراز دیگری از دعای مذکور مشاهده می‌شود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَ التَّظَنِّيِّ وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكَّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَذَبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ» (همان: ۹۶). آن حضرت همچنین با عبارتهایی چون «وَ أَنْتَهُ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ» (همان: ۹۲) و «اللَّهُمَّ وَفَّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي» (همان) از خداوند خواسته‌اند تا بهترین نیت‌ها را برایشان عرضه دارد و آنها را با لطف خود خالص و کامل گرداند. لذا یکی از راه‌های دوری از نیت‌های پلید و بدگمانی دعا به پیشگاه خداوند متعال و طلب نیت خالص، کامل و استوار از اوست.

پیشتر اشاره شد که از جمله عوامل سبب ایجاد پندارهای باطل درون فرد، توجه به حیات مادی است که عدم آرامش و طمأنینه از جمله پیامدهای آن به شمار می‌رود. قرآن نیز زندگی دنیا را جز متاعی فریبنده نمی‌داند: ﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ...﴾ ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است... ﴿(غافر/۳۹) و ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ...﴾ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما... است ﴿(الحديد/۲۰). لذا آرایه راهکارهایی برای مقابله با اهتمام به مادیات، در زدودن پندارهای جاهلی راهگشا خواهد بود. توکل بر خدا و بی‌نیازی از مخلوقات را می‌توان از جمله این راهکارها دانست. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ...﴾ و افراد باایمان باید تنها بر خدا توکل کنند ﴿

(آل عمران/۱۶۰) و در جای دیگر خودش را یاریگر بندگان می‌داند: ﴿... وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ... و یاری مؤمنان همواره حقی است بر عهده ما﴾ (الروم/۴۷). بر این اساس، در صورتی که اتکای اصلی بنده به خداوند باشد، هرگز به عدم آرامش دچار نخواهد شد. امام سجّاد(ع) نیز در فرازی از دعای مکارم‌الأخلاق می‌فرماید: «وَأُغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ» (صحیفه سجّادیه، ۱۳۷۶: ۹۲). آن حضرت در این دعا از خداوند می‌خواهد که بی‌نیازی را به همراه وسعت روزی به ایشان عطا فرماید. به یقین حسن بی‌نیازی ثروتی است که پایانی ندارد. در بخش دیگری از این دعا آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أُصُولُ بَكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَ أَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ: خدایا چنان کن که با نیرو و قدرت تو به سختی‌ها حمله کنم و در وقت نیاز به گدایی از تو برخیزم» (همان: ۹۶). لذا اطمینان و یقین به منبع اصلی قدرت که خداوند است، مهم‌ترین عامل در ایجاد طمأنینه و عدم نیاز و وابستگی به قدرت‌های مادی است. امام سجّاد(ع) در باب یقین به خدا می‌فرماید: «وَصَحَّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي: و یقینم را بدان گونه که دانی به راه صحت بر» (همان: ۹۲). بر این پایه، هر قدر که درجه یقین انسان بالاتر رود، وابستگی او به دنیا و زندگی مادی کمتر خواهد شد. کسی که تباہ و صلاح را از جانب خدا می‌داند، دچار عدم طمأنینه و غرور کاذب نمی‌شود و از ظنون باطل پیروی نخواهد کرد. لذا در فرازی از دعای مکارم‌الأخلاق کسی اهل صلاح دانسته شده که بدگمان نشود و به سوء ظن گرفتار نگردد: «وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَاتَةِ» (همان: ۹۴). بنابراین، هر چه از دست انسان می‌رود و هر آنچه تباہ گردد، اصلاح آن از جانب خداست. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ... این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید...﴾ (الحديد/۲۳).

باورهای شرک‌آلود از دیگر ظنون عصر جاهلیت به شمار می‌روند که اجتناب از آنها در قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق مورد توجه قرار گرفته است. نمونه آن را می‌توان در مواظظ اخلاقی لقمان حکیم جستجو کرد. در آیه ﴿... يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ... پسر من! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است﴾ (لقمان/۱۳)، لقمان حکیم خطاب به فرزندش از «شرک» به «ظلم عظیم» یاد کرده است. امام سجّاد(ع) نیز در فرازی از دعای مکارم‌الأخلاق می‌فرماید: «وَلَا تَفْتِنِّي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَّرْتُ وَ لَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَ لَا بِالتَّضَرُّعِ إِلَيَّ مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِدْلَانِكَ وَ مَنَعَكَ وَ إِغْرَاضَكَ: و مرا به کمک خواستن از غیر خود چون مضطر شوم و به فروتنی برای خواستن از غیر خود چون ندار شوم و به زاری کردن به درگاه غیر خود چون

بترسم، گرفتار مفرما که بدان خاطر سزاوار خواری و منع از رحمت و بی‌اعتنایی از جانب تو شوم» (صحیفه سجّادیه، ۱۳۷۶: ۹۶). لذا ظنون شرک‌آلود سبب منع رحمت الهی و بی‌اعتنایی خداوند می‌شوند. قطعاً کسی که دچار شرک شده، از یاد خدا غافل می‌شود. بدین دلیل خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا...﴾ و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت... ﴿(طه/۱۲۴).

بنابراین، عامل بسیاری از نابسامانی‌هایی که مردم در عصر جاهلیت مدرن به آن دچار شده‌اند، شرک و دوری از ذکر خداست. همانگونه که امام سجّاد(ع) نیز می‌فرماید: «وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ: مرا در اوقات بی‌خبری و غفلت برای یادت بیدار کن» (همان: ۱۰۲). پس یاد خدا غفلت و بی‌خبری بشر امروز را از بین می‌برد و او را از گرفتار شدن در دام ظنون و پندارهای باطل جاهلی رها می‌سازد.

۴-۲) زدودن احکام جاهلیت

همانگونه که پیش از این اشاره شد، از حکم جاهلیت به حکمی تعبیر می‌شود که در مقابل حکم خداوند قرار گیرد. چنین احکامی غالباً بر پایه هوی و هوس و کسب منفعت وضع می‌شدند. لذا یکی از راه‌های مقابله با احکام جاهلی تمرین بندگی کردن و اطاعت از احکام الهی است. امام سجّاد(ع) بندگی کردن را نوعی رام شدن انسان می‌دانند. ایشان از عجب و غرور به منزله یکی از موانع بندگی یاد کرده‌اند و می‌فرمایند: «عَبْدَتِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدُ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ: و بندگیم را به آلودگی خودپسندی تباه مکن» (همان: ۹۲). پس اگر سلطه‌جویان عالم در دوران جاهلیت مدرن، احکام جاهلی وضع کرده‌اند و از حکم الهی سر باز می‌زنند و بدین دلیل است که غرور و تبختر ایشان سدّ راه بندگی و اطاعت از حکم خداوند شده است. از این روست که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ: ... خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد﴾ (لقمان / ۱۸).

بندگی کردن حرکت در مسیری است که خداوند از بشر خواسته تا در آن قرار گیرد. امام سجّاد(ع) چنین مسیری را طریقه حق نامیده‌اند و از خداوند خواسته‌اند که از آن روی نتابند: «و طَرِيقَةَ حَقِّ لَا أُزِيغُ عَنْهَا» (صحیفه سجّادیه، ۱۳۷۶: ۹۴). ایشان در فرازی دیگر از دعای مکارم‌الأخلاق، پس از اشاره به آیین و طریقه خداوند خواسته‌اند که بهره‌مندی از میانه‌روی را به ایشان عطا نماید: «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُثَلَّى... وَ مَتَّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ» (همان: ۹۸). لذا میانه‌روی را از جمله عواملی می‌توان دانست که

انسان را در طریقه حق نگاه می‌دارد و از انحراف و لغزش به راست و چپ حفظ می‌نماید. بنابراین، انسان میانه‌رو همواره در مسیر بندگی خداوند گام برمی‌دارد و هرگز بر پایه هوی و هوس حکم جاهلی وضع نخواهد کرد. در قرآن نیز به میانه‌روی اشاره شده است، چنان‌که می‌فرماید: ﴿... وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا...﴾ و نمازت را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن ﴿(الأسراء/۱۱۰)﴾. همچنین در مواضع لقمان حکیم آمده است: ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ...﴾ در هنگام راه رفتنت میانه‌رو باش... ﴿(لقمان/۱۹)﴾. امام سجّاد (ع) پس از اشاره به میانه‌روی از خداوند می‌خواهند که راهنمای خوبی برای بندگان باشند: «وَمِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ» (صحیفه سجّادیه، ۱۳۷۶: ۹۸). بنابراین، حرکت در مسیر بندگی و میانه‌روی نیازمند راهنمایی شایسته است و مصداق بارز این راهنمایان، ائمه (ع) هستند که در کنار کتاب خدا، بندگان را به طریقه حق رهنمون می‌سازند. به یقین تمسک به قرآن و عترت یکی از راههایی است که بشر امروزی را از قرارگیری در مسیر جاهلیت و وضع احکام جاهلانه بازمی‌دارد و روش بندگی را به او می‌آموزد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به تعالیم اخلاقی قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق می‌توان به راهکارهای زیر برای مقابله با مؤلفه‌های فرهنگ جاهلیت (تبرّج، تعصب، وضع احکام جاهلانه و پندارهای باطل) در جوامع مُدرن اشاره کرد:

- ۱- پوشیدن لباس تقوا و نگهداری نفس، توجه به زینت روح و رعایت حیا و عفاف که زینتی زوال‌ناپذیر و مرضی خداوند است، مؤثرترین شیوه مقابله با تبرّج جاهلی است.
- ۲- پیروی از حجّت‌های عقلی و نقلی همچون علم و وحی الهی نیز از راههای مقابله با تعصب جاهلیت به‌شمار می‌رود. خودسازی، تمرین فروتنی و اعتماد به قدرت خداوند و اتّکای به او می‌تواند در مهار غروری که تعصب از آن نشأت می‌گیرد، تأثیرگذار باشد.
- ۳- نیّت درست و استوار، یقین و اعتماد به خداوند به عنوان منبع اصلی قدرت، یاد خدا و توکل بر او از جمله راههای غلبه بر مشکل بدگمانی و سوء ظن به‌شمار می‌روند.
- ۴- از جمله راههای مقابله با احکام جاهلی تمرین بندگی کردن و میانه‌روی است. بنابراین، قرآن و عترت را باید راهنمایان حقیقی بشر در مسیر بندگی خدا و عدم لغزش و انحراف او از طریق حق دانست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ﴿... وَلَا تَبْرَحْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...﴾ و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید... ﴿(الأحزاب/۳۳).
- ۲- ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ...﴾ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دلهای خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند... ﴿(الفتح/۲۶).
- ۳- ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ...﴾ آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می‌خواهند؟! ﴿...﴾ (المائدة/۵۰).
- ۴- ﴿...يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ...﴾ آنها گمانهای نادرستی، همچون گمانهای دوران جاهلیت، درباره خدا داشتند... ﴿(آل عمران/۱۵۴).
- ۵- برخی از این خرافات عبارت بودند از: مؤثر دانستن اجرام فلکی در مرگ و زندگی، مراجعه به کاهنان و جادوگران، آویختن استخوان‌های مرده بر بیماران (ر.ک: جعفری، ۱۳۹۱: ۳۲).
- ۶- هابز از اندیشمندان تمدن جدید آرمانشهر خود را «لویاتان» نام نهاده است. لویاتان لفظی توراتی و بیانگر قدرت‌های دنیایی دشمن خداست. هابز ترس مردم را از یکدیگر عامل حفظ و نگهداشت جامعه می‌داند (Hobbes, 1588-1679).
- ۷- این کتاب مجموعه خاطرات فردی آمریکایی به نام «بتی محمودی» است که پس از ازدواج با یکی از ایرانیان مقیم آمریکا به ایران می‌آید و جوایز فراوانی برای آن دریافت می‌کند.
- ۸- در آیه ۵۸ از سوره نحل به این تعصب نادرست دوران جاهلیت اشاره شده است.
- ۹- خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿فَكُ رَقَبَةً: آزاد کردن برده‌ای﴾ (البلد/۳۱). همچنین در آیه ۳۲ از سوره نور به خوشرفتاری با بردگان و قواعد مربوط به ازدواج ایشان اشاره فرموده است.
- ۱۰- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۲۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۱۰).
- ۱۱- خداوند در آیات ۱۹-۱۳ از سوره لقمان به پاره‌ای از دستورهای اخلاقی اشاره فرموده است و از آن به «حکمت» یاد کرده است.

۱۲- آیات ۲۲-۳۷ از سورهٔ اسراء بیانگر تعالیم اخلاقی هستند که از این آیات نیز به بخشی از «حکمت» تعبیر شده است.

۱۳- آیات دیگری که در آنها «ظن» به معنای «پندار باطل بدون پشتوانهٔ علمی به کار رفته» عبارتند از: (النجم/ ۲۳ و ۳۸؛ یونس/ ۶۶ و الأنعام/ ۱۴۸).

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). *التحریر و التّنویر*. بی جا، بی نا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*. چاپ اول. تهران: میقات.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۱ق.). *حلیه الأبرار فی أصول محمد و آله الأطهار (ع)*. چاپ اول. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- راسل، برتراند. (۱۳۷۷). *مسائل فلسفه*. ترجمهٔ منوچهر بزرگمهر. چاپ چهارم. تهران: خوارزمی.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد (خازن). (۱۴۱۵ق.). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. تصحیح محمدعلی شاهین. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق.). *أنوار التنزیل*. چاپ اول. بیروت: دار الأحياء التراث العربی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق.). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احياء التراث العربی.
- چامسکی، نوام. (۱۳۸۷). *ایالات شکست خورده*. ترجمهٔ یعقوب نعمتی و روحانی. چاپ اول. تهران: جام جم.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن. (۱۳۷۷). *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*. تهران: دانشگاه تهران.
- جصاص، أحمد بن علی. (۱۴۰۵ق.). *أحكام القرآن*. تحقیق محمدصادق قمحاوی. بیروت: دار احياء التراث العربی.

- جعفری، یعقوب. (۱۳۹۱). *تاریخ اسلام از منظر قرآن*. تهران: دفتر نشر معارف.
- جعفری، یعقوب. (بی‌تا). *تفسیر کوثر*. بی‌جا: بی‌نا.
- حائری تهرانی، میر سیدعلی. (۱۳۷۷). *مقتنیات الدرر*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- حدّاد عادل، غلامعلی. (۱۳۷۰). *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*. چاپ چهارم. تهران: سروش.
- حسینی، نگین. (۱۳۹۱). *مسافر دهکده جهانی*. چاپ دوم. تهران: سیمای شرق.
- حقّی بروسوی، اسماعیل. (بی‌تا). *روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *کشاف*. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العربی.
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۴). *ما و راه دشوار تجدّد*. چاپ اول. تهران: ساقی.
- سبزواری نجفی، محمّد بن حبیب‌الله. (۱۴۱۹ق.). *إرشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (بی‌تا). *بحر العلوم*. بی‌جا: بی‌نا.
- صادقی تهرانی، محمّد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- الصّحیفه السّجّادیّه*. (۱۳۷۶). امام علی بن حسین (ع). چاپ اول. تهران: نشر الهادی.
- طباطبائی، محمّدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابوعلی. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمّد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار المعرفه.
- طنطاوی، سیّد محمّد. (بی‌تا). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. بی‌جا: بی‌نا.
- طیب، سیّد عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلامی.
- عاملی، علی بن حسین. (۱۴۱۳ق.). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*. تحقیق مالک محمودی. چاپ اول. قم: دار القرآن الکریم.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق سیّد هاشم رسولی محلاتی. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
- فخر رازی، محمّد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فضل‌الله، سیّد محمّدحسین. (۱۴۱۹ق.). *من وحی القرآن*. چاپ دوم. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.

- فیض کاشانی، مولی محسن. (۱۴۱۵ق.). *الصافی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات صدر.
- فیضی دکنی، ابوالفضل. (۱۴۱۷ق.). *سواطع الإلهام فی تفسیر القرآن*. قم: دارالمنار.
- قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ق.). *محاسن التّأویل*. بیروت: دار الکتب العلمیّه.
- کاشانی، ملا فتح الله. (۱۴۲۳ق.). *زبده التّفاسیر*. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق.). *بیان السّعادة فی مقامات العبادة*. چاپ دوم. بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
- مدرسی، سید محمدتقی. (۱۴۱۹ق.). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبتی الحسین (ع).
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التّحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ . (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. چاپ اول. تهران: مرکز نشر کتاب.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق.). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. چاپ اول. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*. ترجمه حسن حکیم‌باشی، علی اکبر رستمی، میرزا علی‌زاده و حسن خرقانی. چاپ دوم. قم: ذوی القربی.
- _____ . (۱۳۷۹). «مبانی اخلاق در قرآن». *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*. شماره ۲۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیّه.
- مولانا، حمید. (۱۳۹۰). *آمریکاشناسی*. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- نحاس، أبو جعفر محمد بن محمد. (۱۴۲۱ق.). *إعراب القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیّه؛ منشورات محمدعلی بیضون.
- نخجوانی، نعمت‌الله. (۱۹۹۹م.). *الفواتح الإلهیّه و المفاتح الغیبیّه*. چاپ اول. مصر: دار رکابی للنشر.
- John, M. Roberts. (1985). *The Triumph of the West*. London: BBC Books.
- David, S. Landes. (1998). *the Welth and Powerty of Nations*. London: Little, Brown.
- Charles, Hanley. (2005). *Associated Press*. 28 May 2005.
- W.E.B Du Bois. (1035). *Black reconstruction in America*. New York: Russell & Russell.

Cohen, Susan A. (2006). "***Roe or No Roe, Right to Abortion Seen Eroding under Newly Constituted Supreme Court, Guttmacher Policy Review***". Winter. Volume 9. Number 1.

Guttmacher Institute. (2008). ***Facts on Induced Abortion in the United States***: www.guttmacher.org

<http://hamsbabrionline.ir/print/63514>

<http://hamsbabrionline.ir/print/239622>

<http://www.khabaronline.ir/detail/239306>

<http://www.taamolnews.ir/fa/news/30709>

<http://www.drugfreeworld.org/drugfacts/crystalmeth/a-worldwide-epidemic-of-addiction.html>

http://www.naturalnews.com/034777_Pepsi_aborted_fetus_cells_soda_flavoring.html

http://www.ilo.org/global/about-the-ilo/media-centre/press-releases/WCMS_008091/lang-en/index.htm

